

با عظمت انتخابات ریاست جمهوری آشنا شویم!

بزرگترین یورش تبلیغاتی به مردم چگونه دفع شد!

انفای نقش بازار و ارتجاع مذهبی در جمهوری اسلامی، از جمله بزرگترین دست آوردهای دو انتخابات مجلس پنجم و ریاست جمهوری است. این افشاگری همانقدر اهمیت تاریخی دارد، که آگاهی توده مردم مذهبی ایران از ماهیت روحانیت بازاری و بازاری مذهبی دارد. هرنوع تحولی در ایران، می‌بایست متکی به گسترش همین آگاهی صورت گیرد.

راه توده در طول انتشار دومین دوره خود، که اکنون شصتیمین شماره آنرا در دست دارید، در توضیح بی‌محتوانی شعار بی‌سروته و بیگانه با خواست‌ها اقتصادی و سیاسی مردم ایران، یعنی "طرد ولایت فقیه" بی‌وقه بر این امریافشرد که غارتگران و ارتجاعی که امروز شعار ولایت مطلقه فقیه را می‌دهند، نه درد ولایت دارند و نه درد فقه، بلکه برای تحکیم موقعیت خود و دیکتاتوری سرمایه داری تجاری، ارتجاع مذهبی را پشت این شعار بسیج کرده‌اند. راه توده در توضیح این واقعیت، پیوسته تاکید کرد و می‌کند، که توده‌های مردم ایران را، که هرنوع تحول مثبتی در ایران، تنها متکی به آگاهی عمیق تر آنها از واقعیت و ماهیت طبقاتی حکومت کنونی ممکن و عملی است، نباید با شعارهایی که باورهای مذهبی آنها با این شعارها در تضاد است، از جنبش جدا ساخت. این توده مردم باید بدانند فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چقدر در غارتگری کنونی در ایران نقش دارند، روحانیت حکومتی که تفنگ بدست در نماز جمعه‌ها حاضر شده و مردم را به زندگی فقیرانه فرا می‌خوانند و آنها را از قدرت پرستی و دنیا دوستی منع می‌کنند، خود چقدر آلوده به دزدی و غارت و دروغ و نیرنگند. توده مردم باید بدانند، مافیای حجتیه و دو تشکیلات وابسته به آن و یا تحت نفوذ آن، یعنی جامعه روحانیت مبارز و حزب موتلفه اسلامی چه نقشی در به فلاکت کشاندن میلیون‌ها مردم ایران داشته‌اند. مردم وسیع تر از امروز باید بدانند، که این مجموعه حکومتی چگونه به استقلال ملی ایران خیانت کرده‌اند و با همان کشورها و دولت‌هایی که در شعارهای خود آنها را دشمن خطاب می‌کنند زد و بند کرده و می‌کنند. بنابراین، همه این مجموعه باید طرد شود.

از جمله افشاگری‌های تاریخی در جریان کارزار انتخاباتی ریاست جمهوری، که به مردم نشان داد ولایت مطلقه و قدرت مطلقه در جمهوری اسلامی در اختیار کیست و صحنه گردانان واقعی در جمهوری اسلامی کیستند، نامه‌ایست که یکی از آیت‌الله‌های مقیم قم، در ارتباط با سفر رهبران موتلفه اسلامی به این شهر و دیدار با روحانیون انتشار داد. این نامه در روزنامه سلام یکشنبه ۷ اردیبهشت منتشر شد.

سفر رهبران موتلفه اسلامی به شهر قم، که به گفته حاج حیات‌الله عسگر اولادی برای گرفتن رهنمود از حضرات آیات اعظام بود، درحقیقت برای گرفتن بیعت از روحانیون قم برای یک تازی بازار و حزب موتلفه دزایران بود. این سفر بلافاصله پس از شکست تاریخی رهبران موتلفه اسلامی در جریان انتخابات مجلس پنجم صورت گرفت. این سفر نشان داد، که رهبر کنونی جمهوری اسلامی "علی خامنه‌ای"، حتی در حد مشورت نیز مورد اعتنای "موتلفه اسلامی" نبوده‌است. موتلفه اسلامی، که رئیس قوه قضائیه را هم (نه نوشته آیت‌الله مسعودی) همراه برده‌بودند، تا فرمان تبعیت روحانیون قم از تصمیم این حزب برای به ریاست جمهوری رساندن "ناطق نوری" را به آنها ابلاغ کنند، ظاهراً

و براساس دفاع جانانانهای که از تر خود ساخته "ولایت مطلقه فقیه" می‌کنند، می‌بایست، از نظر رسمی و اعلام شده او، مبنی بر بی‌طرفی در امر انتخابات تبعیت کنند. آنها نه تنها چنین نکردند، بلکه احکام آیت‌الله‌هایی را پیوسته تصمیم خود برای به ریاست جمهوری رساندن ناطق نوری کردند، که رهبر کنونی جمهوری اسلامی، هیچ گزیری از تمسکین از آنها نداشت و ندارد! بنابراین ولی فقیه در تهران، حرف‌هایی برای خودش زده و می‌زند و غارتگران و روحانیون وابسته به حجتیه کار خودشان را پیش می‌برند و ولی فقیه را نیز بدنبال خود می‌کشاند. میدان داری آیت‌الله‌کنی، در حمایت از تصمیم موتلفه اسلامی برای به ریاست جمهوری رساندن ناطق نوری، درحقیقت بیانگر جانسپینی است که موتلفه برای علی خامنه‌ای درآستین دارد و اگر بساط ولایت فقیه را هم همانگونه جمع کند، که امروز سفره ولایت مطلقه آنرا پهن کرده‌است، انواع آیت‌الله‌سید و شیخ را برای رساندن به کرسی مرجع تقلید و ادامه حکومت خود درآستین دارد! حمایت فرماندهان نظامی سپاه و بسیج از تصمیم حزب موتلفه اسلامی و پیروی روحانیت مبارز تهران از تصمیمات این حزب نشانه‌هایی کافی است، برای شکل و شمایل حکومتی که بازار و ارتجاع مذهبی در سر دارند.

سدهای استواری از سر راه این حکومت مطلقه برداشته شده‌است: احکامی که بنام آیت‌الله خمینی، در آخرین سال‌های حیات وی صادر شد و یا به یاری و هم‌دستی احمد خمینی از او گرفته شد، حذف آیت‌الله منتظری از صحنه، کشتار زندانیان سیاسی، تصفیه طیف چپ مذهبی از حکومت، عبور از سد احمد خمینی بعنوان مطلع‌ترین و معتبرترین تفسیرکننده و افشاکننده رویدادهای پشت صحنه زمان حیات پدرش، سربره نیست شدن انواع روحانیون مستقل و صاحب‌اندیشه و ابتکار عمل، که پیوسته از ادامه‌وایستگی سنتی روحانیون به انگلستان نگران بودند و... همه این مسیرتنگین و ضد ملی تاکنون طی شده‌است. آنها در تلاش برداشتن آخرین گام‌ها برای نابودی کامل انقلاب بهمین و هرنوع نشانه و یادگاری از این انقلابند. حکومت بازار و ارتجاع، یعنی همین! در ادامه همین مسیر است که برداشتن سد ولایت فقیه و یا ولی فقیه و رهبر کنونی و یا رهبر دیگری که بخواهد سری مستقل از بازار و ارتجاع مذهبی داشته باشد، کار چندان دشواری به نظر نمی‌رسد!

این سد استوار، که تحریکات اخیر و افشاشده فرماندهان سپاه و بسیج در ارتباط با انتخابات مجلس و ریاست جمهوری نشان داد، که به قدرت نظامی نیز دست یافته و فرماندهان آنرا در خدمت خویش دارد، تنها از طریق افشاگری، آگاهی مردم و بسیج آنها برای درهم شکستن آن ممکن و مقدور است. براساس این برداشت است، که باید از افشاگری‌های یکسال اخیر و رشد بی‌وقه آگاهی توده مردم از ماهیت قدرت واقعی در جمهوری اسلامی، نه تنها خرسند بود، بلکه بدان بهائی در حد فراهم آمدن بازهم بیشتر شرایط ایجاد تغییرات مهم در ایران داد.

آنچه در در زیر می‌خوانید بخش‌هایی از نامه آیت‌الله مسعودی در ارتباط با سفر توطئه‌آمیز سران حزب موتلفه اسلامی به قم و در مخالفت با ورود به صحنه انتخابات ریاست جمهوری مهندس موسوی، نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در زمان آیت‌الله خمینی است. این نامه هیچ تفسیری را برای نشان دادن قدرت پشت صحنه سران بازار و موتلفه اسلامی، توطئه‌ها در جمهوری اسلامی و بویژه دلائل اقتصادی مخالفت با بازگشت به صحنه حکومتی طیف چپ مذهبی ندارد. انتشار عکس‌های خانوادگی موسوی، انفشای نامه‌های خصوصی او و علی خامنه‌ای در زمانی که موسوی نخست‌وزیر بود و علی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، تهدیدهای فرمانده سپاه پاسداران در صورت ورود به صحنه انتخابات مهندس موسوی و... همگی ریشه در همان اشاره صریح و بی‌پروائی دارد که سران موتلفه اسلامی در زمینه تغییر ساختار اقتصادی تجاری و غارتگر حاکم در صورت بازگشت موسوی به قدرت آنرا با روحانیون قم مطرح ساخته‌اند. این نامه در کنار انواع اخبار و افشاگری‌های مربوط به این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، تحلیل و تفسیری کاملی است که اوضاع کنونی در جمهوری اسلامی، راه توده تلاش خواهد کرد، این مجموعه اخبار و افشاگری‌ها را بتدریج در شماره‌های آینده خود منتشر سازد. مقایسه این اخبار، با آن چه که در همین دوران مطبوعات خارج از کشور منتشر ساختند، خود فصل بسیار مهمی است برای بررسی نقش اپوزیسیون جمهوری اسلامی در خارج از کشور و میزان اطلاع آن‌ها از اوضاع ایران و بازتاب آن در خارج از کشور. این اخبار نشان می‌دهند، که در این دوران، جنبش در داخل کشور مسیر خود را طی می‌کرده و اپوزیسیون مسیر مستقل از جنبش خود را.

نامه آیت الله مسعودی

یکی از افشاگری‌های بسیار مهم در طول کارزار انتخاباتی، نامه‌ای بود که آیت الله مسعودی نوشت و روزنامه سلام آنرا منتشر ساخت. بخش‌های اساسی و افشاگرانه این نامه را در فوق العاده‌های انتخاباتی راه توده که در همین شماره بازانتشار یافته می‌خوانید. در این نامه مشخص شد، که حزب بازار، "موتلفه اسلامی"، در همان ابتدا که زمزمه کاندیداتوری میرحسین موسوی نخست وزیر سابق برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری مطرح شده، آنها ناطق نوری را در جلسه حزبی خود بعنوان کاندیدا انتخاب کرده و خبر این انتخاب را در قم به روحانیون حوزه ابلاغ کرده‌اند. مقاومت برخی روحانیون قم بی فایده بود و با همتوانی روحانیت مبارز تهران و بویژه شخص آیت الله مهدوی کنی، این منصوبه به روحانیون قم تحمیل می‌شود. سیر و سرگذشت این انتخاب حزبی که می‌رفت تا به انتصاب ریاست جمهوری از سوی بازار و تحمیل آن به مردم ایران بیانجامد، اکنون و با انتخاب خاتمی بز همگان روشن و آشکار است، اما آنچه که در این نامه اهمیت تاریخی دارد و برای درک ریشه‌های اختلاف در حکومت و پایگاه طبقاتی حکومت اهمیت دارد و هرنوع شعار و سیاستی می‌بایستی بر مبنای آن تنظیم و تدوین شود؛ آن نگرانی اساسی است که سران موتلفه اسلامی در قم یا روحانیون مطرح می‌کنند و رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی نیز پا به پای آنها در این توطئه و تحمیل انتصاب و ایجاد بیم و هراس در میان روحانیون قم نقش ایفا می‌کند.

سران موتلفه اسلامی به نمایندگی از بازار و سرمایه داری تجاری، به روحانیون قم، با صراحتی کم نظیر می‌گویند: «اقتصاد ما در خطر است، اگر موسوی انتخاب شود». بنابراین اعتراف صریح، اساس بیم و هراس در انتخابات اخیر، سیستم اقتصادی بوده است، که در جمهوری اسلامی برقرار است و در متن آن بازار و مانیای تجاری مردم را غارت می‌کند.

این اعتراف تاریخی، صحت آن ارزیابی و تحلیل ما را اثبات نمی‌کند که در تمام این سال‌های بر آن پای فشرده‌ایم؟ یعنی اینکه در جمهوری اسلامی ما با یکتازی بازار و سرمایه داری تجاری روبرو هستیم که می‌رفت و پیا می‌رود تا به دیکتاتوری تمام و کمال بیانجامد. این دیکتاتوری و یکتازی پشت نقاب مذهب پنهان شده است و شعارها و حقه بازی‌های نویسی که راه می‌اندازند، همگی برای برداشته نشدن همین نقاب است. دفاع از ولایت مطلقه فقیه، دفاع از روحانیت، برسینه کوبیدن سنگ اسلامی و فقه ... همگی اجزاء این نقابند. بر همین اساس است که ما پیوسته گفته ایم نباید با شعارهای مذهبی مردم را از جبهه اساسی غافل سازیم و اجازه دهیم غارتگران، با باورهای مذهبی آنان بازی کنند. ستیزی که در جامعه جریان دارد، ستیزی بین غارتگران و غارت شدگان، توده مردم و مشتکی غارتگراست، نه بین طرفداران ولایت و مخالفان ولایت! شعار ولایت و غیر ولایت را ارتجاع و غارتگران خود به میدان آورده‌اند، تا مردم را گمراه کنند، ما چرا باید در این دام بیافتیم؟

برای آنکه عمق شکست ارتجاع مذهبی و بازاری و عمق هوشیاری مردم ایران، در جریان انتخابات اخیر درک شود و به عظمت جنبش نوین انقلابی مردم پی برده شود، اخبار زیر را بعنوان بخش اندکی از آنچه در هفته‌های کارزار انتخابات ریاست جمهوری گذشت، در زیر می‌آوریم. مردم نه بدنیال شعارهای من درآوردی مهاجرت، بلکه با درک خویش، ارتجاع مذهبی- بازاری را طرد کردند!

کوشه‌ای از افشاگری‌های داخل کشور

نطق آیت الله کنی در مشهد

نشریه ای بنام "پیشواز" که در تهران و از سوی اتحاد چپ دمکراتیک ایران انتشار می‌یابد، در آخرین هفته تبلیغات انتخاباتی، گزارشی در باره توطئه‌های حکومتی برای مقابله با رای و نظر مردم منتشر ساخت. در این گزارش از جمله اشاره به سفر توطئه آمیز آیت الله مهدوی کنی به مشهد شده است، که بنظر ما نیز این اخبار در حد خود در گسترش آگاهی‌ها پیرامون اوضاع ایران قابل توجه است. برخی از قسمت‌های این گزارش، که به ما نیز رسیده است را، در زیر می‌خوانید:

در سپاه پاسداران- ... موحدی کرمانی (نایب رئیس مجلس و نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران) در تائید رای روحانیت مبارز و بخشنامه‌ای را در سطوح

سپاه و بسیج منتشر ساخت. تمامی فرماندهان اصلی سپاه و بسیج و حتی وزیر دفاع و فرمانده نیروی دریائی نیز همین حمایت را اعلام داشتند، که براساس آن همه موظف بودند به ناطق نوری رای بدهند. اما این بخشنامه و دخالت فرماندهان نظامی در امور سیاسی با مخالفت هائی در سپاه روبرو شد. این مخالفت‌ها بصورت افشاگری درآمد. از جمله جمعی از پاسداران مازندران نامه‌ای را خطاب به ریاست ستاد فرماندهی کل قوا نوشتند که زنونشتی از آن نیز در همه جا دست به دست شد. در نامه اعتراضی از جمله آمده است: «...اگر جسارت به مقام حضرت عالی نباشد، در صورت عدم برخورد، ما پاسداران خط ولایت برخورد واجب می‌دانیم فعالیت خود را در امر انتخابات شروع و کاندیدای اصلح خود را به جامعه انقلابی معرفی نمائیم و از هرگونه برخورد با ما ترسی به دل راه نخواهیم داد.»

متن بخشنامه فرمانده بسیج سپاه پاسداران نیز که حکایت از تحریک قوای مسلح برای دخالت در امر انتخابات دارد به شرح زیر انتشار یافته است: «... فرماندهان محترم مناطق، نواحی و رده‌های مقاومت بسیج سراسر کشور- با سلام

نظریه نماینده محترم ولی فقیه در سپاه حضرت آیت الله موحدی کرمانی راجع به انتخابات ریاست جمهوری به شرح زیر می‌باشد: مسئله اظهار نظر جامعه مدرسین قم و جامعه روحانیت مبارز تهران در مورد کاندیداتوری ریاست جمهوری، بعنوان دو مرجع امین، دیندار و گرانمایه در اعتقادات شیعی نمی‌تواند عامل حزبی داشته باشد و قطعاً بر خواسته (اشتباه دیکته‌ای در سخن بخشنامه است!) از احساس تکلیف شرعی و حجت است و این مطلب نباید برای پاسداران بیان شود.»

تعهد کتبی!

شعبه استان فارس تبلیغات اسلامی از روحانیون و مبلغین تعهد گرفته است که برای ناطق نوری تبلیغ کنند و در صورتی که این تعهد را نمی‌زداند، از اعزام آنان خود داری می‌گردند. در ایلام به مبلغینی که در ایلام محرم عازم مناطق روستائی استان بودند، تاکید کرده است «... با توجه به اینکه مسئولین استان خاصه اداره اطلاعات سعی بر اتحاد و امنیت منطقه را دارند، لذا نظر به اینکه انمه جمعه و جماعات و طلاب حوزه علمیه ایلام و مقیم قم با اکثریت قریب به اتفاق، در انتخاب کاندیدای ریاست جمهوری نظرشان به آقای ناطق نوری است، تقاضا مندیم اگر نظری غیر از این دارند، به گونه‌ای طرح شود که مشکل آفرین نباشد، اگر چه اقتضای عقل این است که در روزهای نخست کاندیدای مورد نظر معلوم نشود.»

امام جمعه زاهدان "حیب الله محمدیان" گفته است: «من رای سیستان و بلوچستان را قول داده‌ام و رای منطقه مال آقای ناطق نوری است» امام جمعه اهواز "موسوی جزایری" نیز رای دادن به ناطق را تکلیف شرعی دانسته و حتی خاتمی را بنی صدر دوم خطاب کرده است. رئیس دفتر امام جمعه، رئیس ستاد ناطق نوری در اهواز است!

آیت الله یزدی، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی بدت دو هفته در قم برای جلب حمایت روحانیون به سرد ناطق نوری فعالیت بی وقفه داشته است.

* بنیاد مستضعفان و جانبازان، علاوه بر آنکه بخش عظیمی از هزینه تبلیغات ناطق نوری را تقبل کرده است، گروهی جدید به عنوان "جمعی از ایشارگران انقلاب اسلامی" را آفریده است، تا با تبلیغات گسترده و به نامی غیر از بنیاد، به نفع ناطق تبلیغ کنند. اعضای این گروه عبارتند از "دانش جعفری"، "موسوی مقدم"، "صبوری (قائم مقام بنیاد و مدیر کل بنیاد در استان اصفهان)، "فدائسی" (مدیرکل اسبق بنیاد در استان تهران)

یک نمونه

نشریه "پیشواز" سپس می‌نویسد: «برای آنکه به میزان هزینه‌های تبلیغاتی جناح بازار برای ناطق نوری پی ببریم، یک نمونه از قرار داد چاپ اوراق تبلیغاتی تشکیل‌های همسو را که منتشر می‌کنیم:

۱- زندگی نامه آقای ناطق نوری چهار رنگ در ۸۰۰ هزار نسخه؛
۲- تراکت کف دستی چهار رنگ ۱ میلیون و ۵۰۰ هزار نسخه؛ ۳- تراکت بدون عکس چهار رنگ ۵۰۰ هزار نسخه؛ ۴- پوستر بدون عکس سه رنگ یک میلیون

چگونه فیلم "طعم گیلان" کیارستمی از ایران خارج شد!

فیلم "طعم گیلان" ساخته عباس کیارستمی، کارگردان برجسته ایرانی، که اکنون یکی از معروفترین کارگردانان سینمای جهان شناخته شده است، موفق به دریافت جایزه نخل طلایی از پنجاهمین جشنواره فیلم کن شد. این بزرگترین جایزه ایست که تاکنون سینمای ایران موفق به دریافت آن شده است.

درباره این جایزه و مشکلاتی که بر سر اجازه خروج دادن به این فیلم و شرکت آن در جشنواره کن، مطبوعات مهاجرت مطالبی نوشته اند. ما در زیر بر مجموعه نوشته ها، اطلاعات قابل توجهی را اضافه می کنیم، که بی اعتنائی به آن ها، نه ممکن است و نه بدون اطلاع از آنها می توان درک کرد، جناح راست حاکم چه بر سر فرهنگ و هنر و موجودیت ایران آورده است. ما در این زمینه به همه علاقمندان این نوع افشاگری ها توصیه می کنیم، که در شماره های ۵۲ و ۵۳ راه توده مقررات سانسور فیلم و موقعیت وزارت ارشاد اسلامی را بخوانند. اهمیت شکست این جناح در انتخابات اخیر ریاست جمهوری، با این اطلاعات، قطعاً بارز تر می شود!

جناح وابسته به بازار و مرفله اسلامی، وزارت ارشاد اسلامی را تقریباً به اشغال نظامی درآورده است. البته این امر چندان هم دور از انتظار نباید باشد، زیرا وزیر ارشاد اسلامی مصطفی میرسلیم، خود مدتی طولانی رئیس شهرداری جمهوری اسلامی بود! وابستگان نظامی ارتجاع مذهبی و بازار، بعد از استعفای دکتر خاتمی از وزارت ارشاد، بتدریج این وزارتخانه را اشغال کردند. همین اشغال کنندگان تا آخرین لحظات مانع فرستادن فیلم کیارستمی به جشنواره کن شده بودند. هیاتی متشکل از عزت الله ضرغامی (معاون سینمایی و درعین حال مسئول امنیت غرب کشور)، حسن اسلامی فر (از اعضای مرفله اسلامی و صاحب کبابی معروف شهر ری با همین نام و ضمناً از فرماندهان سپاه پاسداران)، عباس فاطمی نویس (از بازجوهای زندان اوین)، مهدی نصیری معروف به ابوالقاسم طالبی (سردهسته چماقداران حزب الله اصفهان و مدیر مسئول نشریه سینما و ویدئو وزارت ارشاد و مشاور ضرغامی) با ارسال فیلم کیارستمی مخالف بودند و آن را خلاف مصالح جمهوری اسلامی می دانستند. شخص مصطفی میرسلیم و عبدالحیسان، قائم مقام او (از رهبان مرفله و از بازاری های معروف تهران) نیز هدایت پشت پرده جنجال علیه کیارستمی را برعهده داشتند. این جنجال آنقدر گسترده بود، که سرانجام و تحت تاثیر مطالبی که رسانه های هنری جهانی نوشتند، تصمیم گیری نهائی مانند بسیار از مسائل مشابه به دفتر ریاست جمهوری واگذار شد. در محافل سینمایی تهران، همه می دانند که سرانجام این جنجال برای جلوگیری از خروج فیلم کیارستمی، به ماموریت ویژه ای ختم شد که به علی اکبر ولایتی وزیر خارجه، برای حل مسئله داده شد. مذاکرات سه ساعته وزیر خارجه با وزیر ارشاد اسلامی، سرانجام در آخرین لحظات پرواز هواپیما به نتیجه مثبت رسید. وزیر ارشاد حتی از پذیرش دستور بالاترین مقامات مملکتی برای رفع موانع و موافقت برای ارسال فیلم خودداری می کرد.

این تنها بخشی از توطئه جناح راست علیه سینما گران برجسته ایرانی است، که با تمام نیرو می کوشد کارگردانان معروف پیش از انقلاب را جذب فیلم های بازاری و تبلیغاتی کند و یا آن ها را از صحنه بیرون براند. کارگردانان متفکر بعد از انقلاب هم که عمدتاً به سینمای متفکر ایرانی تعلق خاطر دارند، در آستانه حذف قرار دارند. همه این نیروها در انتخابات به میدان آمدند و به محمد خاتمی رای دادند. نکته جالب اینست که اغلب بازاری هائی که مدیرکل و کارشناس فیلم در وزارت ارشاد اسلامی شده اند، با بازار سیاه فیلم در ارتباط هستند و بخشی از دلال های سینمای ایران محسوب می شوند!

نسخه: ۵- پوستر عکس دار چهار رنگ ۱ میلیون نسخه؛ ۶- تراکت ورزشکاران چهار رنگ ۵۰۰ هزار نسخه؛ ۶- زندگی نامه ۱۲ هزار نسخه»

«این فقط یک نمونه و یکی از اقلام تبلیغاتی تشکل های همسو می باشد. تعداد اقلام سفارش داده شده، برابر ۱۷ میلیون ۸۰۰ هزار است که بیشتر از نصف تعداد واجدین شرایط برای شرکت در انتخابات است. در تهران هزینه اقلام تبلیغاتی را بیش از ۱ میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال ذکر می کنند. تشکل های همسو (که رهبری آن با مهندس باهنر است که اکنون نایب رئیس مجلس انتخاب شده است!) با بیش از ۲۰ چاپخانه قرار داد بسته است. تنها هزینه تعویض پلاکاردهای برزنتی تبلیغ ناطق نوری مبلغ ۶۰ میلیون تومان بوده است. موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، که یک ارگان حکومتی محسوب می شود، برای حمایت از ناطق نوری مبلغ ۶۰ میلیون تومان از بودجه خود، در اختیار محمد جواد لاریجانی گذاشته است.»

برای آنکه عمق درک مردم و عظمت مقابله مردم با روحانیون حکومتی و غارتگران بازاری بیشتر درک شود، به نقل از "پیششاز" اخباری را می خوانید که حکایت از شدیدترین حملات به خانواده آیت الله خینی برای جلوگیری از حمایت آنها از دکتر خاتمی دارد. پیششاز می نویسد:

«...مزم بهروزی از طرفداران ناطق نوری گفته است که «در تاریخ بسیار پیش آمده که فرزندان پیامبران منحرف شده اند، پسر نوح هم با بدن بنشست و کافر شد!»، پس از آنکه مشخص شد که همسر آیت الله خینی نیز می خواهد به خاتمی رای بدهد، در صحبت های برخی روحانیون وی با عایشه همسر پیغمبر مقایسه شد. در جلسه ۲۵-۱-۷۶ بنیچ دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی یاسوج، حاج آقا حیدری، مسئول نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه گفت «این که معیار نمی شود، به صرف اینکه مثلاً زن امام در خانه اش به آقای خاتمی رای می دهد. ضمناً در بیت امام افرادی وجود دارند که رابطه وابستگی تنگاتنگی با گروهکها دارند.» این سخنان با اعتراض بسیاری از بسیجی های حاضر در جلسه زوربو شد.»

طومار بازاری ها

همین نشریه ادامه می دهد: «عده ای از بازاریان و اصناف تهران، طوماری تهیه کردند، تا پس از امضاء به دفتر خامنه ای ارسال شود و در این طومار از او خواستند تا ناطق نوری را بعنوان یکی از ائمه جمعه های موقت تهران منصوب نماید. حسین الله کرم، سرتیپ پاسدار است، او به کمک پنجاه عضو رسمی و حقوق بگیر خود این گروهک را سازمان داده و مجله "یالشارات الحسین" توسط این گروه و به کمک دفتر سیاسی سپاه پاسداران و توابع های زندان منتشر می شود. دفتر هواپیمائی "توکارتور" واقع در خیابان ویلا تقاطع کریخان زند- در اختیار حسین الله کرم است.»

حمله به روزنامه سلام

در آخرین روز تبلیغات انتخاباتی و در حالیکه ارتجاعی ترین جناح حاکمه و بازار، خود را بازنده انتخابات می شناختند، با نیروی نظامی برای ایجاد تشنج در تهران و ایجاد رعب و وحشت دست زدند. این نوع عملیات، البته از قبل و به نقل از محافل توطئه گر نظامی بازاری در تهران اشتهاء شده بود و تقریباً همه انتظار آنرا داشتند. این همان شگردی بود که ارتجاع در مرحله دوم انتخابات مجلس اسلامی بدان متوسل شده و موفق شد بخشی از مردم را خانه نشین ساخته و اکثریت لیست روحانیون مبارز تهران را از صندوق آراء بیرون آورده و به مجلس بفرستند. در جریان این ماجرا بسیج شرق تهران را فرماندهان بسیج و سپاه به خیابان کشیدند، که این خود نیز با عکس العمل هائی در درون سپاه و بسیج رویرو شد. (مراجعه کنید به گزارش مربوط به سپاه پاسداران در شماره ۵۹ راه توده)

در آخرین شب تبلیغات انتخاباتی، سپاه از توزیع روزنامه سلام و ارسال آن به شهرستان ها جلوگیری کرد. در ادامه همین عملیات کودتائی دفتر تبلیغاتی خاتمی را سپاه در تهران بست و سپس به چاپخانه ریخته و آنرا اشغال کرد. هیچکس بدرستی نمی داند، در پشت صحنه برای مهار زدن بر این عملیات سپاه و جلوگیری از عملیات کودتائی آنها چه گذشته است، اما آنچه مسلم است، اینست که به سپاه برای ادامه این عملیات اجازه داده نشد!